



## بررسی شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات خانوادگی

ریحانه شهیدی<sup>۱</sup>

۱. دکتری تخصصی مطالعات زنان، گرایش حقوق زن در اسلام، مشاور خانواده مرکز وکلا، کارشناس رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، تهران، ایران.

### چکیده

در طی گذار از مراحل زناشویی، ممکن است اختلاف بین زوجین بروز کند و در صورت حادث شدن به جدایی و طلاق منجر شود. این پژوهش بر آن است که با شیوه تحلیلی و توصیفی به این پرسش پاسخ دهد که «چه شیوه‌هایی برای حل‌وفصل اختلافات خانوادگی وجود دارد؟» براساس یافته‌های پژوهش، سه نوع شیوه در دادرسی اختلافات خانوادگی وجود دارد: شیوه اول به صورت رسیدگی شبه قضایی و از طریق حکمیت و داوری است؛ شیوه دوم مبتنی بر رسیدگی قضایی فردمحورانه است؛ شیوه سوم حل‌وفصل اختلافات خانوادگی با نگاه درمان‌محورانه است. ماحصل این پژوهش آن است که شیوه‌های حاکم بر حل‌وفصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایران، براساس رسیدگی قضایی فردمحورانه است که دادرسی براساس این نظام به دلیل ماهیت خاص آن، به شکلی نیست که جدایی را کاهش دهد و یا عوارض و پیامدهای کمتری برای زوجین و خصوصاً اطفال داشته باشد و حتی با ویژگی تشریفاتی، تقابلی، فردمحورانه خود موجب تشدید خصومت‌ها و تزلزل نهاد خانواده می‌شود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....

تلفن: .....

ایمیل: re.shahidi1363@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

حل‌وفصل، دعوی خانوادگی، شبه قضایی، قضایی.



## مقدمه

مشکلات و منازعات اجتماعی در تمامی جوامع و در طول تاریخ وجود داشته است. در تمام نظام‌های حقوقی دنیا، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مختلف حقوقی و یافتن راه‌حل مؤثر و کارساز در حل‌وفصل اختلافات همواره مورد تأکید است (فضالی و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۰). در حوزه خانواده باتوجه به حساسیت موضوع خانواده، اعتماد و ارتباط نزدیک و صمیمانه، احتمال ایجاد اختلاف همواره وجود دارد (نعیمی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۳). اختلافات حل‌نشده در زمینه حقوق خانواده زمینه‌ساز اقدام به دادخواهی در محاکم دادگستری است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸۲-۴۶۳). دادگاه‌های خانواده پس از طرح دادخواست در دعوی تصریح‌شده در ماده ۴ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ نسبت به رسیدگی دعوی خانوادگی صلاحیت پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup> در فقه و حقوق ایران، پژوهش‌ها بیشتر معطوف به آیین دادرسی مدنی و یا نوآوری‌ها و کاستی‌های قوانین نظیر قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ هستند (خلیلی، ۱۳۸۶). نسبت به ارجاع دعوی خانوادگی به شورای حل اختلاف و در راستای اهداف شرعیت‌نبودن و تشدید دعوی خانوادگی انتقاد کرده است (اسدی، ۱۳۸۶). بر لزوم ایجاد سیاست افتراقی در دعوی خانوادگی و تخصصی‌کردن محاکم خانواده تأکید کرده است (جعفری، ۱۳۸۶). در پژوهش خود بر لزوم حل اختلافات زناشویی از طریق داوری قبل از دادرسی مدنی تأکید کرده است (السان و همکاران، ۱۳۹۸؛ تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). نوآوری‌های قانون حمایت از خانواده را در مراحل مختلف (طرح دعوا، مرحله رسیدگی، مرحله صدور رأی، مرحله اجرای احکام) بررسی کرده‌اند (داوودی، ۱۳۸۶). به بررسی جایگاه دادگاه خانواده و تأثیر قوانین خانواده بر آسیب‌های اجتماعی خانوادگی در نظام حقوقی ایران پرداخته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در پژوهش‌های داخلی پژوهشی که نسبت به بررسی رویکردهای دادرسی بپردازد وجود

<sup>۱</sup> - رسیدگی به امور و دعوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است: نامزدی و خسارات ناشی از برهم‌زدن آن، نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح، شروط ضمن عقد نکاح، ازدواج مجدد، جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و اجرت‌المثل ایام زوجیت، تمکین و نشوز، طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، حضانت و ملاقات طفل، نسب، رشد، حجر و رفع آن، ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان، نفقه اقارب، امور راجع به غایب مفقودالثر، سرپرستی کودکان بی‌سرپرست، اهدای جنین، تغییر جنسیت.

ندارد. در مقابل در پژوهش‌های خارجی، لزوم ایجاد آیین دادرسی خانواده‌محور در دادرسی دعوی خانوادگی موضوعی پرکاربرد محسوب می‌شود. نظام‌های حقوقی کشورهای خارجی در طی دهه‌های اخیر پژوهش‌ها و تحقیقات بسیاری را به‌منظور بررسی شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات خانوادگی انجام داده‌اند. از نظر بسیاری از پژوهشگران رسیدگی مشابه دعوی مدنی در دادگاه خانواده، موجب ازهم‌گسیختگی و نابودی واحد خانواده می‌شود، زیرا زوجین با یکدیگر رابطه دارند و احتمالاً در آینده به ادامه روابط نیاز خواهند داشت. از این‌رو معتقدند که دادرسی مدنی مناسب‌ترین روش برای حل اختلاف خانوادگی نیست و آرای صادره از دادگاه فقط تعارضات حقوقی را حل می‌کند و روابط شخصی و اختلافات روانی را نادیده می‌گیرد (Babb et al, 2016). دسته دیگر از پژوهش‌ها، باتوجه به مشکلات پیش‌گفته به‌منظور ایجاد یک چارچوب استراتژیک برای اصلاح قوانین خانواده پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اند. در این پژوهش‌ها نظام فرآیندی و نوبه‌ای برای استفاده در دادگاه خانواده پیشنهاد شده است (Steeh, 2016). دسته سوم از پژوهش‌ها مشکلات افرادی که برای حل مشکل حقوقی به مراجع قضایی مراجعه می‌نمایند، در قالب پیمایشی بررسی کرده‌اند، یکی از این مطالعات تحت عنوان «مطالعه جامع مطالبات حقوقی» توسط انجمن کانون وکلای آمریکا در دهه ۱۹۷۰ انجام شده است. این نوع مطالعات اجزای مختلف نظام دادرسی را از منظر مراجعه‌کنندگان به نظام قضایی مورد بررسی قرار می‌دهند (Hazel & Beinart, 1999).

نکته برجسته و بدیع این پژوهش، تمرکز بر رویکردهای دادرسی می‌باشد و این پژوهش به دنبال این امر است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، به نقد و بررسی نظام دادرسی دعوی خانوادگی در نظام حقوقی ایران بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که در فقه و حقوق ایران و همچنین نظام حقوقی برخی کشورهای غیراسلامی چه شیوه‌هایی در حل‌وفصل اختلافات خانوادگی وجود دارد؟ دادرسی دعوی خانوادگی در نظام حقوقی ایران براساس چه رویکرد دادرسی است و آیا رویکرد حاکم در دادرسی دعوی خانوادگی تفاوتی با سایر دادرسی‌های مدنی دارد؟ راهکارهای رفع مشکلات آیین دادرسی ایران در دعوی خانوادگی کدام‌اند؟

باتوجه به ماهیت متمایز دعاوی خانوادگی از سایر دعاوی، استفاده از آیین‌ها و شیوه‌های خانواده‌محور در حل و فصل اختلافات خانوادگی، می‌تواند نتیجه متفاوتی را برای خانواده رقم بزند. به‌دیگرسخن، فرایند دادرسی می‌تواند به شکلی باشد که موجب تشدید خصومت‌ها شود یا اینکه با ایجاد سازوکارهای خانواده‌مدار و حل و فصل اختلافات خانوادگی، جدایی را کاهش پیدا کند و یا حتی عوارض و پیامدهای متارکه و جدایی برای زوجین و خصوصاً کودکان کاسته شود.

### ۱- شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی در منابع فقهی

پیش از اسلام در سرزمین حجاز، شیوه سازمان‌یافته‌ای در دادرسی وجود نداشت و داوری (حکمت) رایج‌ترین اصل پذیرفته‌شده دادرسی به‌شمار می‌آمد (ساکت، ۱۳۸۲: ۸۹). در دین اسلام، آیات متعدد و روایات زیادی در مورد قضاوت نقل شده است که ذکر همه آن‌ها موجب اطاله کلام خواهد بود، اما آیات قرآن کریم و اخبار واصله نشانگر عظمت قضا و اعتبار و شأن قضاوت در اسلام است (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۸). در نظام حقوقی اسلام، صلاحیت دادرسی از شئون ولایت است. به‌عبارت‌دیگر دادرسی، اختصاص به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) دارد (بروجردی، ۱۳۸۶: ۶۷/۳۰)، تا زمانی که پیغمبر اکرم (ص) حیات داشتند و یا اهل‌بیت زنده بودند، دریافت و شناخت احکام الهی با مراجعه به ایشان امکان‌پذیر بود، اما با رحلت پیغمبر اکرم و اهل‌بیت و همچنین در زمان غیبت امام زمان، توسعه جامعه اسلامی و ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، روابط بین افراد دچار پیچیدگی‌های نوظهوری شد که امکان وجود نص خاص در هر مورد وجود نداشت، لذا جامعه به اندیشمندانی نیاز پیدا کرد که بتوانند با دانش و فراست خود احکام کلی را بر مصادیق و موضوعات تازه انطباق دهند و از این طریق حکم هر قضیه‌ای را دریابند. بدیهی است که دریافت و شناخت احکام الهی، علاوه بر علم و آگاهی، نیازمند صداقت و تقوا و بینش صحیح و از همه مهم‌تر ملکه اجتهاد است تا فرد بتواند براساس قرآن و سنت نبوی و قدرت اجتهاد، حکم هر موضوع را دریابد. از این‌رو گفته‌اند علما ورثه انبیاء هستند و با لحاظ اعتبار و ارزش فقها است که قضاوت پس از پیامبر اکرم (ص) و جانشینانش، تکلیف فقها شمرده شده است. ولایت فقیه جامع‌الشرایط در امر قضا و دادرسی مورد اتفاق همه فقهاست و هیچ فقیهی ولایت در امر تقنین و افتاء، برای غیرفقیه قائل نیست، در تاریخ فقه اسلام موردی یافت نمی‌شود که فقیهی

بپذیرد حاکمان جور و فاسقان ظلم، صلاحیت حکومت بر جامعه اسلامی را داشته باشند، بلکه اجماع و اتفاق فقها بر این است که صلاحیت مقام قضایی همانند صلاحیت مقام قانون‌گذاری و صدور فتوای، در انحصار فقیه جامع‌الشرایط است تا در ساختار منطبق با فقه امامیه، مسلمانان بتوانند به‌راحتی دعوا و شکایات خود را در دادگاه اسلامی مطرح کنند و با ارائه ادله اثبات دعوا و یا جرم علیه مدعی علیه یا مشتکی‌عنه، اقامه دعوا یا شکایت کنند و دادرسی عادل اسلامی پس از استماع ادله طرفین و بررسی آن‌ها براساس معلومات قضایی و فتوای الهی، انشاء حکم کند (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۰). از این‌رو مهم‌ترین مبنا و منبع آیین دادرسی در اسلام قرآن و سنت است؛ در دین اسلام، تقنین امری الهی است و قوانین اسلامی از طرف ذات باری تعالی به پیامبر وحی می‌شود و پیامبر حامل وحی و ابلاغ‌کننده احکام خداوندی است<sup>۱</sup> و مبنای صدور احکام، بر دو اصل احقاق حق و اجتناب از هوای نفس قرار دارد<sup>۲</sup> (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۸). همچنین از منابع اسلامی، اصولی مانند حرمت و مصونیت جان و مال مردم، اصل توقف اجرای مجازات بر حکم قضایی، قضاوت توسط قضات صالح و مستقل و بی‌طرف، اصل نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع متهم، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برابری اصحاب دعوا در زمینه دادرسی قابل استنباط است. در حوزه دادرسی اختلافات بین زوجین، دین مبین اسلام به اصلاح ذات‌البین و ایجاد سازش میان هم‌نوعان و به‌طور خاص اصلاح میان زوجین فرمان داده است.<sup>۳</sup> در آیه ۳۵ سوره مبارکه نسا راهکار حکمت و داوری برای حل و فصل اختلافات خانوادگی مطرح شده است. در این آیه مبارکه چنین آمده است: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» حکمت یک نهاد ویژه در باب خانواده است و در رابطه خاص میان زن و شوهر محقق می‌شود. در آیه مبارکه خداوند متعال دستور داده شده است که در صورت وقوع اختلاف بین زن و شوهر حکمی از دو طرف برگزیده شود (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۵۳).

۱- نجم ۳/ و ۴

۲- ص ۲۶/

۳- انفال ۱/

نکته‌ای که در این مجال لازم به ذکر است، مخاطب آیه شریفه است. بعضی بر این اعتقادند که خطاب‌های قرآنی آنگاه که احکام شرعی را بیان می‌کنند، هرگاه به صورت مطلق بیان شده باشند، مخاطب آن حاکمان خواهند بود. به همین جهت مخاطب آیه شریفه حاکمان می‌باشند، زیرا در آیه، تعبیر «فابعثو» را به کار برده شده است. بر این مبنا، در حل و فصل اختلافات خانوادگی، خطاب وارده در آیه متوجه حکومت است و حاکم بایستی به این دست از دعاوی رسیدگی کند (مکی عاملی، ۱۴۱۳: ۳۶۴/۸). برخی دیگر از فقها معتقدند فعل امر «فابعثو» در آیه کریمه ظهور در وجوب دارد. از این رو بر حاکم واجب و لازم است که از باب حسبه در زمانی که بین زوجین و یا یکی از آنها ناسازگاری به وجود آمده باشد، برای نجات دادن آنها اقدام نماید. بر این مبنا، اصلاح در روابط زوجین و حل و فصل اختلافات خانوادگی بایستی توسط قاضی منصوب صورت گیرد. این دسته از فقها، طریقه اصلاح در روابط زوجین را ارجاع دادن آنها به شخص عاقل و مدبر و یا اگر بین زوجین اختلاف و منازعه مالی پیش آمده، به حاکم شرع یا فرد مصلحی که به اصلاح بین مردم آشنا باشد، می‌دانند. دسته دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که خانواده هر یک از زن و شوهر باید حکمی را مشخص کنند که با آنها در شئون آن دو صحبت کنند و بر حسب اقتضا آن دو را با یکدیگر آشتی دهد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۲۸۷). نظریه دیگری که در فقه وجود دارد، تعیین حکمین را به جهت استحباب اصلاح در روابط زن و شوهر و ارشادی بودن حکمیت و مربوط بودن آن به روابط شخصی زوجین مستحب دانسته‌اند (شیرازی زنجانی، ۱۳۸۲: ۷۷۲۳/۲۵). برخی دیگر معتقدند مخاطب آیه مورد بحث زوجین هستند و آنان باید هر کدام حکمی از طرف خود تعیین نمایند در این میان برخی دیگر قائل به انتخاب حکمین توسط اقوام زوجین هستند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۱۹). بعضی دیگر معتقدند که آیه شریفه، مخاطب خاص و معینی ندارد و از آنجا که موضوع آیه اصلاح ذات‌البین است، خطاب متوجه هر کسی است که از شقاق مطلع شود و توان رفع آن را با به‌کارگیری تدبیرهای زیبا و سخنان معقول داشته باشد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۲۲۷/۲۵).

## ۲- شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی در حقوق ایران

تحولات حقوقی هر کشور منبعث از تحولات تاریخی آن کشور است و مطالعه هر نهاد حقوقی بدون ملاحظات تاریخی بی‌ثمر خواهد بود. بست‌نشینی عالمان دینی به‌همراه مردم تهران و

مطالبه «عدالت‌خانه» و «مصلحت‌خانه» موجب گردید تا سرانجام مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را در سال ۱۲۸۵ شمسی صادر نماید. اولین قانونی که پس از انقلاب مشروطیت به تصویب رسید، «قانون اصول تشکیلات عدلیه» و «اصول محاکمات حقوقی» بود. تصویب قوانین شکلی ناظر بر تنظیمات و ترتیبات دادرسی قبل از تصویب قوانین ماهوی، متأثر از نظام حقوقی فرانسه بود. بسترسازی این تأثیر از صدر مشروطه آغاز و در دوره رضاخان به حد کمال خود رسید. نمایندگان مجلس در دوره مشروطه حساسیت بسیار زیادی بر عدم مغایرت قوانین ماهوی با شرع داشتند، اما در تصویب قوانین شکلی، نظام حقوقی فرانسه را الگو قرار دادند، هرچند انقلاب کبیر فرانسه فصل نویی را در نظام حقوقی آن کشور گشود، اما منتهی به نفوذ افکار لیبرالیسم و اندیشه‌های اصالت فرد در نهاد حقوقی فرانسه شد. تأثیر لیبرالیسم در آیین دادرسی مدنی به این صورت بود که هرگونه اقدام دادگاه به اراده اصحاب دعوا در درخواست‌های آنها متبلور می‌شد که به اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی شهرت پیدا کرده است. یکی دیگر از عناصر لیبرالیسم «قاعده بی‌اثری دادگاه» بود که از اصل حاکمیت اصحاب دعوا نشأت می‌گرفت. براساس این قاعده، دادگاه محدود به رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا است، بنابراین اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی که منطبق با اصول لیبرالیسم و آزادی خواهانه بود، در آیین دادرسی مدنی فرانسه این‌گونه تبیین شد: اراده اصحاب دعوا آغازگر و پایان‌دهنده به دعوا است؛ دادرسی اصولاً در دست متداعیین است، مگر آنچه مربوط به نظم عمومی دادگستری باشد که این در اختیار دادگاه است؛ دادگاه اصولاً اقداماتی می‌کند و تصمیماتی اتخاذ می‌کند که طرفین از او بخواهند و مبنای قضاوت دادگاه دلیلی است که ایشان اقامه می‌کنند (پوراستاد، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۴).

«قانون اصول محاکمات حقوقی» در سال ۱۲۹۰ شمسی، به‌عنوان اولین قانون مدون و با الگوبندی از کد ناپلئون در آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۸۰۶ تصویب گردید. در واقع این قانون مدون زمانی تصویب گردید که بالغ بر صدسال از تصویب کد آیین دادرسی فرانسه می‌گذشت. پس از قانون اصول محاکمات حقوقی، «قانون آیین دادرسی مدنی» به تصویب رسید که اندیشه‌های حاکم بر نظام حقوقی فرانسه، از جمله لیبرالیسم و فردگرایی در آن موج می‌زد. با نگاهی به کد ناپلئون در آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۸۰۶ فرانسه و قوانین اصلاحی آن و

سپرده شد و تنها اختلاف راجع به اصل نکاح و طلاق در صلاحیت «محاکم شرع» باقی ماند (یاوری، ۱۳۷۰: ۱۲۰) و در عمل همه گام‌های اصلاحات قضایی را در جهت تقویت دادرسی عرفی و تضعیف محاکم شرع برداشته شد (ابوالحسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). در این میان، نکته جالب توجه تصویب ماده ۶۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ است، چه اینکه این ماده مقررات مفصلی را در داوری اختلافات خانوادگی و امکان ارجاع اختلافات خانوادگی به داوری به خواست هریک از زوجین در زمینه سوءرفتار، عدم تمکین، نفقه، کسوه، سکنی، هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد را مقرر نمود. با تصویب قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ دادرسی و حل و فصل دعاوی خانوادگی به محاکم نوین دادگستری سپرده شد. از این رو شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی حقوقی دادگستری (دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش) «برای رسیدگی به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی» اختصاص یافت و برخی مقررات شکلی نوین (مانند انجام هر نوع تحقیق و اقدام برای روشن شدن موضوع، معافیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی و ...) مربوط به آیین دادرسی مدنی در خصوص دعاوی خانوادگی تصویب گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لزوم توجه به آیین دادرسی خاص دعاوی خانوادگی تدریجاً در گذر زمان و در قوانین مختلف شدت و ضعف یافت (اسدی و شکر، ۱۳۹۴: ۴۲). به عنوان نمونه در تبصره ۲ ماده ۵ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، مقررات مربوط به حکمیت در دادرسی دعاوی خانوادگی وارد گردید. این قانون چنین آمده است که «در مواردی شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ تقاضای طلاق می‌کند، دادگاه بدو حسب آیه کریمه ۳۵ سوره نسا موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود، اجازه طلاق به زوج خواهد داد و در صورتی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست»، اما سال‌ها بعد در ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مقرر گردید که زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند، بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوا نمایند، چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکمین از دو طرف که برگزیده دادگاه‌اند، حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای

مقایسه این تحولات با قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸ این نکته واضح و مبرهن است که نظام قانون‌گذاری ایران به شدت تحت تأثیر فراز و نشیب قانون‌گذاری فرانسه در این زمینه بوده است (پوراستاد، ۱۳۹۱: ۷۷). در طول تاریخ حقوق ایران، با توجه به احکام قرآنی و سنت پیغمبر (ص) و ائمه معصومین (ع) آیین دادرسی اسلامی اجرا می‌گردید. همواره حکمیت و اصلاح ذات‌البین از روش‌های متداول و مؤثر حل کلیه اختلافات، از جمله اختلافات خانوادگی بوده است. رهبران مذهبی و مجتهدان و روحانیون، با توجه به مقررات اسلام و آداب و عادات محلی به اختلافات و مناقشات خانوادگی بر حسب تکلیف شرعی خود رسیدگی می‌کردند و ضمانت اجرای تصمیمات آنان نیز نفوذ و اقتدار معنوی آنان بوده است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۵)، اما در گذر زمان، با شروع فرایند عرفی‌شدن، حل و فصل اختلافات خانوادگی به محاکم دادگستری سپرده شد. در این فرایند، نهضت مشروطیت، تدوین قانون اساسی و متمم الحاقی به آن، روی کار آمدن پهلوی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند، به گونه‌ای که با نگارش متمم قانون اساسی، تفکیک قوا و شکل‌گیری نظام قضایی نوین، برای اولین بار سخن از دوگانگی نظام قضایی و تفکیک نظام شرع و عرف به میان آمد (لک‌زائی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). به همین منظور، دعاوی و اختلافات عرفی در محاکم عمومی دادگستری و اختلافات شرعی در مراجع شرعی رسیدگی می‌شد (بروجردی، ۱۳۹۷: ۲۵). با تصویب «قانون اصول تشکیلات عدلیه» و «قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی» دعاوی راجع به نکاح و طلاق در زمره امور شرعی دانسته شد و تصریح گردید که محاکم عدلیه این دعاوی را به محضر عدول مجتهدین در محاکم شرع ارجاع خواهند کرد (یاوری، ۱۳۵۶: ۶۵-۵۷). «قانون محاکم شرع» مصوب ۱۳۱۰ نیز ترتیبات مشابهی برای رسیدگی به اموری راجع به محکمه شرع باشد، پیش‌بینی نمود. صلاحیت این دادگاه بر طبق ماده ۷ این قانون «دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق»، «درخواست طلاق توسط زن به جهت امتناع زوج از پرداخت نفقه (ماده ۱۰ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰)»، «مواردی که قطع و حل و فصل دعوا جز با اقامه بیینه یا حلف و احلاف ممکن نیست»، «نصب قیم یا وصی و یا ناظر و ضم امین» بوده است. بعدها پس از تصویب قانون راجع به ازدواج ۱۳۱۰، قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، قانون امور حسبی و قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ و ... رسیدگی به اختلافات خانوادگی کاملاً به دادگستری نوین

آن‌ها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خا طی سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.

امروزه با بروز اختلاف در زندگی خانوادگی، زوجین در محاکم دادگستری وارد روند رسیدگی قضایی می‌شوند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷: ۶۰)، اما آنچه واجد توجه دوچندان است، این است که علی‌رغم لزوم توجه به دادرسی افتراقی در حوزه خانواده (اسدی و شکر، ۱۳۹۴: ۴۲)، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بر کلیه دعاوی مدنی، از جمله دعاوی خانوادگی حاکمیت دارد. آیین دادرسی مدنی شاخه‌ای از علم حقوق است که به مجموعه حقوق و تکالیف اصحاب دعوا و دادرسی در نظام دادگستری مدنی و چگونگی اداره جریان دادرسی مدنی می‌پردازد (محسنی، ۱۳۸۸: ۴۸). در محاکم دادگستری، هر اختلافی در چارچوب اصول و قواعد و مقررات آیین دادرسی و در مقام اجرای حق دادخواهی مطرح می‌شود، «دعوا» نام می‌گیرد (شمس، ۱۳۸۱: ۱۳). اصحاب دعوا یا خواهان و خوانده در محاکم دادگستری، نقش‌آفرینی می‌کنند. خواهان یا خوانده بودن اثرات بسیار مهمی در دادرسی دارد. خواهان شخصی است که چیزی را به ضرر دیگری از دادگاه می‌خواهد و آغازگر دعواست، خوانده یا مدعی‌علیه شخصی است که به دادرسی فراخوانده شده و او باید از خود در برابر ادعاهای خواهان دفاع کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۳۱). دادرسی یا قاضی، نیز نماینده دولت در رساندن داد به متداعیین و یا اعمال حکم بر موضوع است (محسنی، ۱۳۸۸: ۳۶). پس از اقدام به دادرسی، نوعی رابطه شکلی و آیین دادرسی بین خواهان و خوانده ایجاد می‌گردد. موضوع رابطه ناشی از آغاز رسیدگی در دادگستری است و ارتباط نوینی برقرار می‌شود. فرایند دادرسی می‌بایست در یک فرآیند تشریفاتی و تقابلی و فردمحورانه انجام شود. تقابلی بودن دادرسی به معنی این است که دادرسی تناوبی از اعمال یک‌جانبه است که خواهان و خوانده و دادرسی انجام می‌دهند. دادرسی در پی کشف حقیقت و احقاق حق است و هریک از خواهان و خوانده با ادعاها و دفاعیات خود دیگری را نشانه گرفته و دادرسی را واسطه سخنان خود می‌کنند. دادرسی هم تصمیم‌هایی نسبت به دادرسی، آیین و موضوع آن می‌گیرد که در حقوق و منافع اصحاب دعوا مؤثر است (مارتین، ۱۳۹۵: ۱۳۲). پس از تصویب قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ دادگاه خانواده یکی از مراجع دادگستری اختصاصی موجود در نظام دادرسی ایران محسوب

می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مصرح در ماده ۴ قانون حمایت اخیرالذکر را دارد. در این قانون، برخی نوآوری‌هایی خاص با توجه به لزوم رسیدگی افتراقی در دادرسی دعاوی خانوادگی تصویب گردیده است (حبیبی تبار، ۱۳۹۴).

### ۳- شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا

در طول یک‌سوم پایانی قرن بیستم، ایالات متحده بسیاری و بسیاری از کشورهای غربی دیگر تغییرات اساسی در قوانین آیین دادرسی به منظور کوتاه‌تر کردن روند انحلال خانواده و بی‌طرف کردن نتایج طلاق از نظر جنسیتی و حمایت از منافع کودکان ایجاد کردند، زیرا در طلاق با تقصیر، هریک از زوجین باید ثابت می‌کرد که همسر دیگر کار اشتباهی انجام داده است که باعث جدایی شده است، اما با ایجاد تغییرات، در همه ایالت‌ها و کشورها گزینه طلاق بدون تقصیر ارائه گردید و همین که زوجین اعلام می‌کردند که با همسر خود نمی‌توانند با هم کنار بیایند و امیدی به آشتی وجود ندارد، تقاضای طلاق خود را به دادگاه تقدیم می‌کردند. این نکته واضح است که طلاق بدون تقصیر نسبت به طلاق با تقصیر کم‌هزینه‌تر بود و در مدت زمانی محدودتری انجام می‌شد، زیرا زوجین برای صدور حکم طلاق نیازی به اثبات تخلفات زناشویی نداشتند. در سرتاسر ایالات متحده، هم‌زمان با افزایش سریع نرخ طلاق (به رکورد بالای یک در هر دو ازدواج) و تغییر قوانین نفقه و دارایی و نظریه توزیع عادلانه‌تری از دارایی‌های خانواده بین زن و مرد و اینکه کدام والدین باید از نظر قانونی و فیزیکی مسؤول مراقبت از فرزندان پس از طلاق باشند، با حضانت مادر در سال‌های اولیه حیات کودک، جایگزین شد، میانجی‌گری برای تسهیل در حل و فصل اختلافات خانوادگی ایجاد گردید. همچنین در همان دوره، تلاش‌های فراوانی برای توانمندسازی خانواده‌های طلاق از طریق ارائه اطلاعات در مورد روند طلاق و نیازهای فرزندانشان برای دسترسی مکرر، مستمر و بدون تعارض به هر دو والدین انجام شد، اما ناکارآمدی خانواده‌های دچار اختلاف و قراردادن فرزندان در معرض تضادهای زناشویی مداوم و مشکلات عاطفی این خانواده‌ها و عدم امکان حل و فصل اختلافات خانوادگی از طریق میانجی‌گری باعث گردید که این زوجین وارد نظام دادرسی مدنی شوند و از مزایای قاطعیت و ضمانت اجرای آراء در نظام دادرسی مدنی بهره‌مند شوند (Johnston, 2000: 479).

حل و فصل دعاوی خانوادگی به حقوق و قانون محدود نداند. در واقع نکته بسیار مهم این رویکرد، تحلیل چندعاملی برای حل و فصل دعاوی خانوادگی است. نظریه بوم‌شناختی رشد انسانی برای اولین بار توسط پروفسور اروی برونفنبرنر<sup>۳</sup> با تأکید بر ساختار پیچیده و چندین سطحی روابط انسانی و تأثیر عوامل محیطی بر فرد مطرح شد. در نظریه دادرسی درمان‌محور نیز توسط دیوید وکسلر<sup>۴</sup>، برای بررسی نتایج ناشی از اعمال قوانین ماهوی و قواعد شکلی و رفتار کنشگران حقوقی بر مجرمان مطرح شده است. ترکیب این دو نظریه با یکدیگر، رهیافت بین‌رشته‌ای دادرسی دعاوی خانوادگی را مطرح می‌سازد که این رویکرد، به قضات توجه به امکان تأثیر بر رفتار انسان و زندگی خانوادگی را ارائه می‌دهد تا راه‌حل‌های عمل‌گرایانه و مؤثرتری برای مسائل حقوقی خانواده ارائه دهند. این رویکرد در نهایت منجر به طراحی نظام قضایی مطلوب برای خانواده و ارائه نحوه مداخله مؤثر قانون در زندگی خانوادگی خواهد شد. دادرسی درمان‌محور، تأثیر قانون بر سلامت عاطفی و روانی فرد را بررسی می‌کند و به قانون به‌عنوان یک نیروی اجتماعی نگاه می‌کند که می‌تواند اثر درمانی (عواقب مفید) یا ضددرمانی (عواقب مضر) را تولید کند.<sup>۵</sup> این پیامدها می‌تواند ناشی از قوانین ماهوی<sup>۶</sup>، قواعد حقوقی و قواعد شکلی<sup>۷</sup> عملکرد کنشگران حقوقی مانند وکلا، قضات، کارکنان دادگاه و ... باشد.

این نظریه، با هدف ایجاد تغییرات محسوس و مثبت با نگاهی خوش‌بینانه و خلاقانه به دنبال شناسایی اقدامات امیدوارکننده در اجرای قانون است، به طوری که قانون را به شیوه‌ای درمانی‌تر وضع یا اجرا شود. کنشگران حقوقی باید پتانسیل خود را به‌عنوان عوامل تغییر تشخیص دهند و تأثیرات رفتار خود را بر مراجعه‌کنندگان تشخیص دهند. برای اینکه این نوع دادرسی واقعاً معنادار و درمانی باشد، بایستی تمام تعاملات حقوقی با شرکت‌کنندگان توأم با همدلی، احترام، با استماع فعال و تمرکز، بدون اجبار، بزرگ‌منشانه و شفاف باشد. همچنین بر به‌حداکثر رساندن پیامدهای درمانی دادرسی و به‌حداقل رساندن پیامدهای ضددرمانی تأکید بسیار زیادی می‌شود. اتخاذ رویکرد درمانی برای مشکلات حقوقی خانواده به این معنا نیست که قضات و

با آغاز قرن بیست‌ویکم، با انجام پژوهش‌ها مشکلاتی از نظام دادرسی مدنی و شیوه‌های خصوصی حل و فصل اختلافات خانوادگی مانند میانجی‌گری گزارش شد، نادیده‌گرفته‌شدن روابط شخصی و اختلافات عاطفی در فرآیند دادرسی، ماهیت تقابلی و خصومت‌آمیز، اطاله دادرسی، هزینه‌های دادرسی بالا، تأخیر، ناکارآمدی در استفاده از منابع، دادرسی پراکنده و صدور احکام مختلف و متناقض در خانواده پژوهشگران به این نتیجه رساند که دادگاه با رویکرد مشابه دادرسی مدنی نمی‌تواند تمام مشکلاتی را که برای خانواده‌ها ایجاد می‌شود، حل و فصل کند. از این رو تلاش‌ها برای ایجاد یک رویکرد با نگاه خانواده‌محور برای کمک به خانواده‌ها در هنگام جدایی و طلاق انجام گردید. این رویکرد دادگاه خانواده و وظیفه این دادگاه را بازتعریف می‌کند و برای حل و فصل اختلافات خانوادگی مشارکت‌های چندرشته‌ای بین کنشگران دادگاه، وکلا، میانجی‌گرها و متخصصان سلامت روان و ... را به منظور خلق راه‌حل‌های قابل اجرا و منطبق با ساختار خانواده و عملکرد خانواده ضروری می‌داند (Johnston, 2000: 453). استفاده از این رویکرد بین‌رشته‌ای برای حل و فصل دعاوی حقوقی خانواده نشان‌دهنده یک تحول مناسب در همکاری بین حقوق و علوم اجتماعی است و نقش حیاتی خانواده در جامعه امروزی برای فراهم کردن محیط‌های باثبات و پرورشی برای اعضای خانواده، ایجاب می‌کند که قضات از تحقیقات بین‌رشته‌ای برای رسیدگی به این اختلافات بهره ببرند. پژوهش‌های علوم اجتماعی و روان‌شناختی در مورد زندگی خانوادگی می‌تواند به هدف تقویت و حمایت از خانواده‌ها کمک کند (Johnston, 2000: 4).

رویکرد میان‌رشته‌ای حل و فصل اختلافات خانوادگی دادگاه را منبعی از قدرت و پشتیبانی برای ادامه و بهبود عملکرد خانواده می‌داند، زیرا تصمیم‌گیری دادگاه نقشی حیاتی بر زندگی روزمره افراد و خانواده‌ها دارد، به‌علاوه استفاده از افراد متخصص در رشته‌های مختلف مرتبط با خانواده را برای دستیابی به واقع‌گرایی حقوقی و پاسخگویی بیشتر به واقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کند. رویکرد میان‌رشته‌ای حل و فصل دعاوی خانوادگی، از ترکیب نظریه بوم‌شناسی توسعه انسانی<sup>۱</sup> و دادرسی درمان‌محور<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد، این رویکرد، به دادگاه این فرصت را می‌دهد تا مسأله دعاوی خانوادگی را از ابعاد مختلف بنگرد و

<sup>3</sup>- Urie Bronfenbrenner

<sup>4</sup>- Wexler, David B.

<sup>5</sup>- Babb & Wexler, Therapeutic Jurisprudence:2

<sup>6</sup>- Substantive Law

<sup>7</sup>- Legal Procedures

<sup>1</sup>- The Ecology of Human Development

<sup>2</sup>- Interdisciplinary Ecological and Therapeutic Approach

در نظام حقوقی ایران مفهوم رایجی از رویکرد رسیدگی قضایی است. مهم‌ترین نتیجه تشریفاتی بودن دادرسی، ایجاد نظم بر دادرسی است. تراکم پرونده‌ها و رسیدگی در چارچوب تشریفات قضایی موجب می‌شود که رسیدگی قضایی زمان‌بر و هزینه‌بر باشد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۱۷). در این نوع رسیدگی که تقابلی، تشریفاتی و فردمحورانه است و با ماهیت صمیمی، عاطفی اختلافات خانوادگی ناسازگار است، با ارجاع خانواده به دادگاه، زن و شوهر را به‌منزله دو مدعی در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. زن درخواست مهریه، نققه و ... می‌کند و مرد دادخواست الزام به تمکین و منع اشتغال و استرداد طلاجات و ... می‌دهد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۶). طبیعت خانواده و نوع رابطه اعضای آن با یکدیگر به‌نحوی است که حقوق به‌تنهایی قادر نیست این روابط را تعدیل سازد و طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه سازگار نیست. در مشی قرآن کریم لزوم صیانت از خانواده، تقویت پیوندهای زناشویی و همچنین ارائه راهکارهایی برای حل‌وفصل اختلافات خانوادگی استنباط می‌شود که به‌طور محسوسی گویای تقدم روش‌های اخلاقی بر هرگونه روش حقوقی است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۶). آیین‌ها و سازوکارها و تضمین‌های دادرسی از نگاه اسلام مقوله‌ای ایستا و ثابت نیست، بلکه برحسب شرایط زمان و مکان قابل تغییر است و مهم حصول غایتی است که از آن مورد انتظار است. می‌توان با بذل عنایت به این مقوله و رجوع دوباره به متون و منابع اصیل فقهی و کلامی به‌همراه بهره‌گیری از تجارب گوناگون سیستم‌های قضایی ملی و بین‌المللی بیش‌ازپیش به استقرار نظام قضایی مطلوب و متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه اسلامی در روزگار کنونی کمک کرد (فضائلی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). بررسی‌های تطبیقی رویکردهای پژوهش نشان داد که حتی در کشورهای غیراسلامی با علم و اذعان به ماهیت متمایز دعاوی خانوادگی، استواربودن کانون خانواده بر عشق و صداقت و خصوصی بودن حریم خانواده، با انتقاد از رویکرد دادرسی مدنی مرسوم، رویکردی بین‌رشته‌ای درمان‌محور برای حل‌وفصل اختلافات خانوادگی ابداع نموده و استفاده از فرآیند خاص درمانی را برای حل‌وفصل اختلافات خانوادگی الزامی قرار داده‌اند. بدیهی است باتوجه به مشکلات رسیدگی قضایی فردمحورانه در حل‌وفصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایران (شهیدی و همکاران، ۱۴۰۱) با افزایش مراجعات به محاکم دادگستری در دعاوی خانوادگی به‌دلیل کم‌رنگ شدن و

وکلا به‌عنوان درمانگر یا مددکار اجتماعی عمل کنند. در عوض، این امر مستلزم آن است که این کنشگران به‌طور آگاهانه مشکلاتی را که ممکن است موجب ایجاد رفتار ناشایست بشنود و چگونگی رسیدگی مؤثر به این رفتارها را در نظر بگیرند (Bob, 2007: 1126). به‌عنوان مثال یکی از مشکلات خانواده‌ها ناشی از اعتیاد است. مصرف مواد مخدر اغلب ارتباط بین اعضای خانواده را از بین می‌برد و باعث رفتار ناشایست همسر معتاد می‌شود. رسیدگی قضایی هرگز نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای این مشکلات خانواده ارائه دهد و تنها گزینه برای قاضی صادرکننده حکم طلاق است، اما در رویکرد قضایی درمان‌محور، قضات و سایر کنشگران می‌بایست با ارجاع خانواده به دادگاه، به جای صدور حکم طلاق، مشکل اعتیاد و مصرف مواد مخدر را از منظر علت‌شناسی، علائم و درمان آن بررسی می‌کنند. این درک جامع از مصرف مواد مخدر، قضات دادگاه خانواده را قادر می‌سازد تا به‌جای صدور حکم طلاق، راه‌حل‌های مؤثری برای حل مشکلات خانواده درگیر مشکل اعتیاد ارائه کنند. این امر به اعضای خانواده در برابر مشکلات مرتبط با اعتیاد کمک شایانی می‌کند و حتی از وقوع پیامدهای طلاق نظیر بی‌توجهی به فرزندان جلوگیری کند و احتمال بهبودی والدین معتاد را به‌دلیل مداخله زودهنگام افزایش دهد (Bob, 2007).

### نتیجه‌گیری

در تمام نظام‌های حقوقی دنیا، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات مختلف حقوقی، مورد اتفاق است (فضائلی، ۱۳۸۷: ۶۰). براین اساس، هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند نسبت به حقوق شکلی بی‌تفاوت باشد و اطمینان به اجرای حقوق ماهوی داشته باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ۶۳۴/۶). نظام حقوقی اسلام (که از مهم‌ترین نظام‌های حقوقی و مذهبی به‌شمار می‌رود) از ضرورت و لزوم توجه به امور شکلی در کنار امور ماهوی غافل نبوده است. در طول تاریخ حقوق ایران همواره حکمیت و اصلاح ذات‌البین از روش‌های متداول و مؤثر حل کلیه اختلافات، از جمله اختلافات خانوادگی بوده است. رهبران مذهبی و مجتهدان و روحانیون، باتوجه به مقررات اسلام و آداب و عادات محلی به اختلافات و مناقشات خانوادگی برحسب تکلیف شرعی خود رسیدگی می‌کردند و ضمانت اجرای تصمیمات آنان نیز نفوذ و اقتدار معنوی آنان بوده است (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۵). امروزه حل‌وفصل اختلافات خانوادگی



- السان، مصطفی؛ نجفی‌زاده، لیلا و دلاوریان، ملیحه (۱۳۹۶). «نوآوری‌ها و کاستی‌های قانون حمایت از خانواده در قلمرو اصول و تشریفات دادرسی». *مجله قضاوت*، ۹۰: ۱۴۳-۱۶۰.

- بروجردی عبده، میرزامحمد (۱۳۹۷). *اصول محاکمات حقوقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- بروجردی، حسین (۱۳۸۶). *منابع فقه شیعه*. جلد سی‌ام، تهران: فرهنگ سبز.

- پوراستاد، مجید (۱۳۹۱). *نقش دادرسی مدنی در تحصیل دلیل و کشف حقیقت*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

- تقی‌پور درزی نقیعی، محمدحسین؛ ابهری، حمید و حسینی مقدم، حسن (۱۳۹۹). «آیین دادرسی دعوی خانوادگی با تأکید بر قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۷۳: ۱۵۳-۱۸۴.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *ترمینولوژی حقوق؛ حاوی اصطلاحات: رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی و تاریخ حقوق و رشته‌های مختلف فقه اسلامی*. چاپ یازدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- جعفری، عباس (۱۳۸۶). «داوری در دعوی خانوادگی قوانین موضوعه و رویه قضایی». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۴۷: ۹۵-۱۲۲.

- چابکی، ام البنین (۱۳۹۵). «مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در تعاملات زناشویی زنان متأهل شهر تهران». *مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۷۴: ۱۴۹-۱۷۶.

- خلیلی، عذرا (۱۳۸۶). «مبانی مشروعیت و اصول راهبردی حکمیت و شورای حل اختلاف خانواده». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۴۷: ۱۲۲-۱۴۹.

- داوودی، هما (۱۳۸۶). «ارتباط قوانین خانواده و رویه قضایی با آسیب‌های خانوادگی». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۴۷: ۶۲-۷۵.

- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲). *دادرسی در حقوق اسلامی: سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان‌های وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری*. تهران: نشر میزان.

دگرگونی ارزش‌های اخلاقی در تعاملات زناشویی و پررنگ شدن امکان مطالبات حقوقی خودخواهانه در زندگی مشترک (چابکی، ۱۳۹۵)، تلاش برای ارائه جایگزینی برای دادرسی مدنی در دعوی خانوادگی ایجاد شود و دعوی خانواده از هر نوعی (مهریه، نفقه، ملاقات فرزند و ...)، به‌جای طرح در محاکم دادگستری، به‌صورت نظام‌مند با نهاد حکمیت و داوری با بازوان اجرایی اطباء، روان‌شناسان و مددکاران و ... حل‌وفصل شوند و در موارد انحصاری و عنداللزوم، دعوی طلاق در دادگاه خانواده مطرح گردد. بدیهی است که این امر مطابق با اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده» است و نقش بسیار مهمی در تحکیم خانواده و پیشگیری از بروز هرگونه تزلزل در این نظام را خواهد داشت.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

**سهم نویسندگان:** نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی و عربی

- ابوالحسنی، علی (۱۳۹۳). «نگاهی تاریخی به محاکم شرع و تقوا و فراست قضایی فقها». *مجله فقه اهل بیت*، ۱۵۰-۲۲۷.

- اسدی، لیلیاسادات (۱۳۸۶). «سیاست افتراقی در رسیدگی به دعوی خانوادگی و راهبردهای آن». *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۴۷: ۱۰-۳۸.

- اسدی، لیلیاسادات و شکری، فریده (۱۳۹۴). *آیین دادرسی امور و دعوی خانوادگی*. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران.

- سبزواری (۱۳۸۳). *مهندب الاحکام فی البیان الحلال و الحرام*. ج بیست و پنجم، قم: فجر ایمان.
- شبیری زنجانی، موسی (۱۳۸۲). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۱). *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
- شهبازی‌نیا، مرتضی؛ همتی، مجتبی و جوان، صدیقه. (۱۳۹۸). «ارزیابی دسترسی به دادگستری در نظام دادرسی مدنی ایران». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۳: ۴۶۳-۴۸۲.
- شهیدی، ریحانه؛ کاردوانی، راحله؛ میرداداشی، سیدمهدی و دهقانی‌نیا، امیررضا (۱۴۰۱). «مطالعه کیفی سیاست دادرسی ایران در دعاوی خانواده». *جامعه‌شناسی سیاسی*، ۵(۱۱).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). *آیات الاحکام*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی.
- فضائی، مصطفی (۱۳۹۳). «جایگاه اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضایی اسلام». *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱(۱): ۱۵۹-۱۷۸.
- فضائی، مصطفی؛ سیفی، سیدجمال و فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۷). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری*. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- لکزائی، نجف (۱۳۹۱). *تحولات سیاسی - اجتماعی ایران معاصر*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مارتین، ریموند (۱۳۹۵). *اصول راهبردی دادرسی مدنی*. ترجمه اسماعیل شایگان، تهران: انتشارات میزان.
- محسنی، حسن (۱۳۸۸). *اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه نظریه همکاری میان طرفین دعوا و دادرسی*. رساله دکتری، استاد راهنما دکتر ناصر کاتوزیان، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- محقق حلّی، جعفر (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام*. قم: اسماعیلیان.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۱). *قواعد فقه، بخش قضایی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکی عاملی، زین‌الدین (۱۴۱۴). *مسالك الافهام*. جلد هشتم، قم: معارف اسلامی.
- نعیمی، ابراهیم و شریعتی، سیدصدرالدین (۱۳۹۳). «الگوی مشاوره‌ای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم». *نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۸.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*. قم: مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۶). *داوری در حقوق خانواده*. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۷). *نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران*. چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۸). *ظرفیت حقوق در تحکیم خانواده*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یاورى، فتح‌الله (۱۳۵۶). «ارجاع به شرع». *مجله کانون وکلا*، ۳۸: ۵۷-۶۵.
- یاورى، فتح‌الله (۱۳۷۰). «دادگاه مدنی خاص در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه حقوقی و قضایی دادگستری*، ۱: ۱۱۷-۱۲۹.
- ب. منابع انگلیسی**
- Babb A, Southern, (1998). "Fashioning an Interdisciplinary Framework for Court Reform in Family Law: A Blueprint to Construct a Unified Family Court". *California Law Review*, 9/3.
- Babb, A & Wexler, B (2014). *Scholar Works @University of Baltimore School of Law Therapeutic Jurisprudence Recommended Citation Therapeutic Jurisprudence, Prepared for Springer Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice (with Wexler)*. <https://doi.org/10.1007/978-1>.
- Babb, A (2008). *Reevaluating Where We Stand: A Comprehensive Survey of America's Family Justice Systems Part of the Courts Commons and the Family Law Commons Recommended Citation Reevaluating Where We Stand: A Comprehensive Survey of America's Family Justice Systems*, 4

[Internet]. 2008. Available from: [http://scholarworks.law.ubalt.edu/all\\_fac](http://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac).

- Babb, A (2014). "Family Courts are Here to Stay, So Let's Improve Them". In *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2513966>.

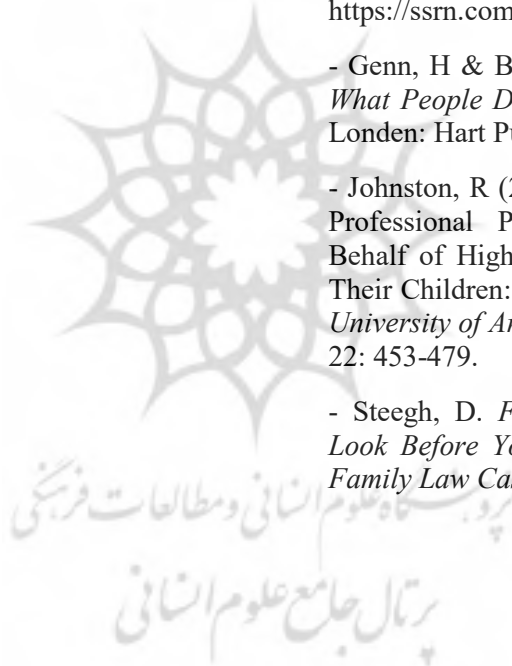
- Babb, A, Danziger, G & Hong-Polansky, H (2016). *Family Divisions Are a Model for Change*. In *Trends in State Courts (Vol. 11)*. [http://scholarworks.law.ubalt.edu/all\\_fac](http://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac)[http://scholarworks.law.ubalt.edu/all\\_fac/907](http://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac/907).

- Babb, A; Danziger, H & Fellow, S (2007). *A Comprehensive Approach to Truancy for Baltimore City: A Roundtable Discussion Summary Report and Recommendations Center for Families, Children and the Courts a Comprehensive Approach to Truancy for Baltimore City: A Roundtable Discussion*. <https://ssrn.com/abstract=2510453>.

- Genn, H & Beinart, S (1999). *Paths to Justice: What People Do and Think about Going to Law*. London: Hart Publishing.

- Johnston, R (2000). "Building Multidisciplinary Professional Partnerships with the Court on Behalf of High Conflict Divorcing Families and Their Children: Who Needs What Kind of Help?" *University of Arkansas at Little Rock Law Review*, 22: 453-479.

- Steegh, D. *Frederick. Marquette Law Review Look Before You Leap: Court System Triage of Family Law Cases*.





## Examining Ways to Resolve Family Disputes

Reyhaneh Shahidi<sup>1</sup>

1. Ph.D, Department of Women Studies, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 1-12**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** 000000000000

**Email:** re.shahidi1363@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 26 Oct 2022

**Revised:** 12 Dec 2022

**Accepted:** 04 Jan 2023

**Published online:** 21 Mar 2023

**Keywords:**

*Settlement, Family Litigation,  
Quasi-Judicial, Judicial.*

### ABSTRACT

During the transition from marital stages, differences may arise between couples and if it becomes acute, it may lead to separation and divorce. This research aims to answer the question "what methods are there to resolve family disputes" with an analytical and descriptive method. According to the findings of the research, there are three types of methods in family dispute proceedings. The first method is in the form of quasi-judicial proceedings and through arbitration. The second method is based on individual-oriented judicial proceedings; The third way of solving family disputes is through the perspective of therapy. The result of this research is that the methods governing the resolution of family disputes in Iran's legal system are based on individual-centered judicial proceedings and due to its special nature, proceedings based on this system are not in a way that reduces separation or complications and it has less consequences for children, especially children and even with its ritualistic, confrontational, individual-centered character, it causes the escalation of hostilities and the weakening of the family institution.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Shahidi, R (2023). "Examining Ways to Resolve Family Disputes". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(1): 1-12.